

نیشن

ویژه‌نامه حوادث از روزنامه جام جم ۱
۱۴۰۷ | شماره ۲۰ دی

دیده خودکشی

نژدیک بررسی کرد. پس از بررسی ها و همچنین دسترسی به موقع دانش آموزان به منابع اجتماعی درون سازمانی، درون آموزش و پرورش یا خارج از آن، می توان مانع از اقدامات ناگوار بعدی شد. به نظر من، آموزش و پرورش یکی از بهترین بسترهاست، به شرط این که مددکاران اجتماعی در آن مستقر شوند، اما متسافانه در این خصوص هیچ دغدغه ای در طول پیش از چهار دهه فعالیت نمی بینیم، در حالی که استقرار مددکار اجتماعی و حضور مشاور می تواند به ارتقای سلامت اجتماعی، شناسایی به موقع بجهه ها، کمک به آنان و آموختن مهارت های مداخله ای کمک کند. اینها فواید حضور مددکار اجتماعی در مدارس است اما هیچ اهتمام عملی برای استقرار مددکار اجتماعی در مدارس دیده نمی شود. حال اگر طرف زندانی شود، کلی هزینه می کنیم تا از او در زندان نگهداری شود. به اعتقاد من، هر چه در حوزه آموزش و پرورش کارنیم، به همان میزان از حجم مراجعان به کلاهتری ها، دادگستری ها و زندان ها کاسته خواهد شد؛ درک این موضوع کار سختی نیست اما نمی دانم چرا به این موضوع توجه نمی شود.

آیا می توان گفت آموزش و پرورش دچار ناکارآمدی شده است؟

ظرفیت های آموزش و پرورش به دلیل ویژگی هایی که به آن اشاره کردم، بسیار بیشتر از آن چیزی است که دارد به آن عمل می کند. در حوزه ارتقای سلامت روان و اجتماعی، این سیستم با وجود این که درگیر مشکل نیروی انسانی، ساختار و بودجه است اما دست کم در چند سال اخیر آموزش و پرورش ورود کرده و اقداماتی انجام داده که یکی از آنها راه اندازی «خط نماد ملی ۱۵۷۰» است (خط اورژانس یا خط فوریت دانش آموزی، سامانه ای است که برای رانه خدمات مشاوره ای و روان شناختی به صورت رایگان برای دانش آموزان، والدین و البته فرهنگیان در نظر گرفته شده است. این خط هر روز به جز روزهای تعطیل، از ساعت هشت صبح تا هشت شب، به مدت ۱۲ ساعت، پاسخگوی تماس گیرندها از هر استان و شهرستان است)، علاوه بر این، برنامه نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان نیز دارد که در بحث آموزش مهارت های زندگی کار می کند اما با توجه به ظرفیت موجود در آموزش و پرورش مانیزمند برنامه هایی هستیم که فراگیری، جامعیت، کفایت، پایداری و در نهایت اثربخشی داشته باشد. به نظر من در این حوزه، حاکمیت، سازمان برنامه و بودجه، سازمان اداری استخدامی، مجلس، دولت و تمام ظرفیت ها باید بای کاریابی داده اند تا کارآمدی آموزش و پرورش در حوزه اجتماعی بیش از آن چیزی باشد که در حال حاضر شاهدش هستیم.

روش های خشن برای خودکشی هم بیشتر می شود. در بحث جامعه باید به چند مسئله توجه کرد. محیط مدرسه، دوستان هم محله ای، پارک، محیط کار از جمله فضاهایی است که کودک از آن تا حدی تأثیر می گیرد. گاهی حتی یک برخورد نامناسب در محیطی که کودک حضور دارد نیز ممکن است باعث تاثیرپذیری در او شود. بخش دیگر شرایط اقتصادی جامعه است. اگر کودک و نوجوانی توان استفاده از منابع اجتماعی، دسترسی به خدمات تخصصی مشاوره، روان شناسی و مددکاری اجتماعی نداشته باشد یا در زمان مناسب به این موارد دسترسی پیدا نکند، احتمال انتخاب خودکشی در او افزایش می یابد. مورد دیگر بحث سرمایه اجتماعی است و در این بین، اگر میزان آن در جامعه ای ناچیز باشد، یکی از تعیات آن افزایش آسیب های اجتماعی است. برخورداری از حمایت های دیگری است که کودکان به آن نیاز دارند، در صورتی که این حمایت ها به موقع و کافی در اختیارشان نباشد، ممکن است آنها را به سمت اقدام ناپسند خودکشی سوق دهد.

■ سهم نظام آموزش و پرورش در ارتقای سلامت دانش آموزان چقدر است؟

من همیشه گفته ام آموزش و پرورش بهترین بستر برای ارتقای سلامت روانی و اجتماعی است و هیچ محیطی به این اندازه مؤثر نیست؛ به این علت که سه ضلع مثلث یعنی دانش آموز، اولیای خانه و اولیای مدرسه در این محیط حضور دارند. دانش آموز با احتساب دوره پیش دستانی حداقل ۱۴ سال از عمرش را در مدرسه سپری می کند، یک معلم ۳۰ سال در آموزش و پرورش است، دانش آموزان بیشترین ارتباط را با همسالان، هم کلاسی ها و هم محله ای های خود دارند و به همین دلیل است که می گوییم هیچ بستری به اندازه آموزش و پرورش برای ارتقای سلامت روانی و اجتماعی دانش آموزان مؤثر نیست. مدرسه نسبت به سایر محیط هایی که بجهه ها در آن حضور دارند، یک محیط مورد ثقہ و قابل اطمینان است. اما مشکل، شناسایی افراد دارای ریسک بالاست که می تواند در مدرسه انجام شود. مدارس مشاور دارند که البته تعدادشان هم کافی نیست اما ما مددکار اجتماعی نمی بینیم، در حالی که حضور یک مددکار اجتماعی در کنار کار تیم تخصصی روان شناسی به راحتی منجر به شناسایی افرادی می شود که افکار مربوط به خودکشی در سردارند. با استفاده از این روند، چنین افرادی شناسایی شده و پس از برقراری ارتباط با خانواده آنها می توان شرایط شان را ز

پرورش در ارتقای سلامت روان و اجتماعی
پ، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران در گفت و گو با آموزش و پرورش نقشی اساسی در ارتقای سلامت روان لازمه این امر نیز استقرار مددکاران اجتماعی در مدارس نجات داده ایم که می خوانید.

می شود تا دانش آموز دست به خودکشی بزند؟
ست. در بعد فردی، ناکامی، شکست در رابطه و دوستی با توانی در موفقیت در تحصیل، وجود برخی اختلالات، عدم کنترل اوضاع، انجام خطاهای احتمالی و بزرگ کردن آن مواردی ممکن است خطابزی هم پاشد. مطرح نکردن خود، خانواده یا طرف مقابل، عدم تامین نیازها، تعرض به عواملی است که می تواند در سوق دادن فرد به سمت

خانواده، مواردی مانند طلاق و اعتیاد در خانواده، حضور در خانواده ای که در آن خشونت به کار رخ می دهد، خانواده های پرتش بای بی تفاوت، خانواده هایی که مهارت لازم برای مواجهه با مشکلات کودکان یا مداخله در بحران رانداشته یا خودشان مهارت حل تعارض را ندارند و عدم تامین نیازهای کودک یا نوجوان توسط خانواده به دلیل فقر ممکن است فرزند را به مسیر نادرست خودکشی هدایت کند. هر چه شدت و تأثیرگذاری این عوامل بیشتر باشد، احتمال این که فرد به سمت خودکشی و اقدام به فوت قدم بردارد، افزایش پیدا می کند. همچنین هرچه این عوامل قوی تر باشد، احتمال انتخاب

